

بررسی و نقد «بشرط لائیت و لا بشرطیت»:

سابقاً گفتیم که محقق دوانی فرق بین عرض و عرضی را به نحوه لحاظ می دانست و در تقریر کلام میر سید شریف هم گفتیم که اصولیون همین تغایر نحوه لحاظ را مطرح کرده اند.

مرحوم نائینی این مطلب را چنین توضیح داده است:

«ان المراد من لا بشرط و بشرط لا فی المقام، غیر المراد من بشرط لا و لا بشرط و بشرط شیء فی تقسیم الماهیة المبحوث عنها فی باب المطلق و المقید، فان تقسیم الماهیة إلى ذلك فی ذلك المبحث انما هو باعتبار الطواری و الانقسامات اللاحقة للماهیة المنوعة و المصنفة لها.

فتارة: تلاحظ الماهیة مجردة عن جميع الطواری و اللواحق و الانقسامات التي يمكن ان يفرض لها، فهذه هی الماهیة بشرط لا التي تكون من الأمور العقلیة، التي يمتنع صدقها على الخارجیات، بداهة انه لا وجود لها بما هی كذلك و أخرى: تلاحظ واجدة لطور خاص و امر مخصوص كالإيمان بالنسبة إلى الرقبة، فهذه هی الماهیة بشرط شیء و ثالثة: تلاحظ على وجه السریان فی جميع الانقسامات و الطواری، يساوی كل لا حق مع نقيضه، فهذه هی الماهیة لا بشرط، و هی المعبر عنها بالمطلق كما أوضحناه فی محلّه.

و هذا المعنى من اللابشرط و بشرط لا غیر مقصود فی المقام. بل مرادهم من قولهم: ان الفرق بین المشتق و مبدئه، هو ان المشتق أخذ لا بشرط، و المبدأ أخذ بشرط لا، انما هو معنى آخر، غیر المعنى المذكور فی باب المط و المقید.

و توضیح المراد فی المقام: هو ان العرض لما كان وجوده لنفسه و بنفسه و فی نفسه عین وجوده لغيره و بغيره و فی غیره لاستحالة قیام العرض بذاته بل تقرره انما يكون بمحلّه، فيمكن ان يلاحظ العرض بما هو هو و مع قطع النظر عن عینیة وجوده لوجود الموضوع، كما انه يمكن ان يلاحظ على ما هو عليه من القیام و الاتحاد، من دون تجریده و تقطیعه عما هو عليه من الحالة، أي حالة القیام بالغير. فان لوحظ على الوجه الأول كان حينئذ عرضا مباینا غیر محمول و يكون ملحوظا بشرط لا، أي بشرط عدم الاتحاد و القیام بالمحل. و ان لوحظ على الوجه الثانی كان حينئذ عرضيا متحدا محمولا و يكون ملحوظا لا بشرط، أي لا بشرط عن التجرد و التقطیع، بل لوحظ على ما هو عليه من الحالة من القیام بالموضوع.»^۱

توضیح:

۱. لا بشرط و به شرط لا در ما نحن فيه بال لا بشرط و بشرط لا در تقسیمات ماهیت فرق می کند.
۲. در تقسیمات ماهیت، گاه ماهیت مجرد از عوارض و انقساماتی که ممکن است در آن فرض شود، لحاظ می

۱. فوائدالأصول للنائینی، ج ۱، صفحه ۱۱۷



شود. این ماهیت به شرط لا است و از امور عقلیه است که محال است بر موجودات خارجی صدق کند. چراکه موجودات خارجی، ماهیت همراه با عوارض، انقسامات هستند [انقسامات یعنی اصناف مثل خیاط، مرد، زن و ...]

۳. و گاه ماهیت به همراه امری مخصوص ملاحظه می شود (مثل اینکه رقبه همراه با ایمان لحاظ می شود) این ماهیت به شرط شیء است.

۴. و گاه ماهیت لحاظ می شود در حالیکه در همه انقسامات و عوارض سریان دارد (به گونه ای که نسبت به هر دارنده عرض و دارنده عرضی که نقیض آن عرض قبلی است، مساوی لحاظ شده است)، در این صورت ماهیت لا بشرط است و این همان است که در اصول به آن مطلق می گوئیم.

۵. اما در مانحن فیه مراد از این اصطلاحات چیز دیگری است:

۶. توضیح آنکه: وجود فی نفسه عرض عین وجود لغیره عرض است چراکه محال است عرض بدون موضوع حاصل شود. [ما می گوئیم: تعبیر مرحوم نائینی در اینجا که می فرماید «وجود لِنفسه و بنفسه و فی نفسه عین وجود لغیره بغیره فی غیره»، تعبیر کاملی نیست چراکه عرض دارای وجود فی نفسه هست ولی وجود لِنفسه و بنفسه ندارد]

۷. حال ممکن است عرض را بدون توجه به عینیت وجود فی نفسه و وجود لغیره ملاحظه کنیم و ممکن است آن را با لحاظ اتحاد با موضوعش ملاحظه کنیم.

۸. اگر مجردا لحاظ شد، در این صورت به شرط لا لحاظ شده است و در این صورت عرض است و قابل حمل هم بر موضوع نیست.

۹. ولی اگر مجردا لحاظ نشد، عرضی است و قابل حمل است و به نحو لا بشرط لحاظ شده است (لا بشرط از مجرد)

ما می گوئیم:

(۱) نحوه بیان مرحوم نائینی، به گونه ای است که از سویی می فرماید عرض: «أَنْ يلاحظ علی ما هو علیه من التیام» است یعنی به شرط شیء است و از سویی می فرماید «یکون ملحوظاً لا بشرط». اما به نظر می رسد مراد ایشان آن است که در انتها می فرماید که: اگر مجردا از موضوع لحاظ شد، عرض است و به شرط لا است و اگر نسبت به بود و نبودن موضوع، بی تفاوت بود، عرضی است و لا بشرط است.

(۲) توجه شود که در تبیین لا بشرط و به شرط لا، گاهی تعبیر می شود به «لا بشرط از حمل» و گاهی تعبیر می شود به «لا بشرط از موضوع» و گاهی تعبیر می شود به «لا بشرط از اتحاد» ولی این تعابیر و هر تعبیر دیگر،



یک معنی را می‌رساند که عبارت است از اینکه عرض همراه با جوهر لحاظ شود (به شرط شیء) یا غیر همراه با جوهر، لحاظ شود (به شرط لا) و یا به ما هو هو و بدون توجه به همراهی با جوهر لحاظ شود (لا بشرط) (۳) اما نکته مهم آن است که این دقیقاً همان معنایی است که در تقسیمات ماهیت آمده است با این تفاوت که در آنجا جوهر به شرط لای از عوارض یا لا بشرط از آنها و یا به شرط شیء نسبت به آنها لحاظ شده است و در اینجا عرض چنین است. اصف الی ذلک آنکه در «ناطق»، سخن درباره عرض نیست بلکه در ناطق، باز هم این جوهر است که گاه همراه و یا غیر همراه لحاظ شده است.

همچنین مرحوم آخوند نیز پس از تبیین کلام میر سید شریف می‌فرماید:

«إلی هذا يرجع ما ذكره أهل المعقول فی الفرق بینهما من أن المشتق یكون لا بشرط و المبدأ یكون بشرط لا ای

یكون مفهوم المشتق غیر آب عن الحمل و مفهوم المبدأ یكون آبیا عنه»^۱

